بسم الله الرحمن الرحیم

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

رشد

آموزش ابتدایی

دوره‌ی بیست و دوم
سال تحصیلی ۹۸-۹۷

برنامه‌ی درسی
درس هنر

فایل حاضر، مجموعه‌ی مطالب مربوط به درس هنر در هفت شماره از دوره‌ی بیست و دوم مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی است.

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی



سلام بر زنگ هنر

نزدیک صد سال از زمانی که هنر در برنامه‌ی درسی مدرسه‌های ایران قرار گرفت می‌گذرد، اما هنوز در بسیاری از مدرسه‌ها، به جای انجام فعالیت‌های هنری، در این ساعت درس‌های دیگر تدریس می‌شود. در شرایطی که روش‌های آموزشی مستقیم و تقلیدی بر مدرسه‌ها حاکم بودند، دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی فقط در زنگ‌های انشا و هنر فضای آزادی برای تفکر و بیان خویشتن داشتند. امروزه بسیاری از روش‌های خلاق آموزشی در برنامه‌ی درسی دوره‌ی ابتدایی مورد توجه برنامه‌ریزان هستند و پرورش قوه‌ی تفکر کودکان و کسب تجربه‌های فردی در همه‌ی زمینه‌ها، برای اغلب دست‌اندرکاران فضاهای آموزشی ضروری به نظر می‌رسد.

هر چه دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی رشد خود را با تجربه‌های متنوع‌تری سپری کنند، توانایی‌های بیشتری کسب می‌کنند. زنگ هنر امکان کسب تجربه‌های فردی و گروهی متنوع و دل‌پذیری را فراهم می‌کند که یادگیری و درک عمیق مباحث را در پی دارد. تقویت حواس، پرورش خلاقیت ذهنی، کشف استعدادها، خودباوری و ارضای درون فقط بخشی از نتایج زنگ هنر هستند؛ البته اگر با روش‌های صحیح برگزار شود.

کودکان در حین انجام فعالیت‌های هنری، احساسات، عواطف و افکار خود را می‌شناسند و به کار می‌گیرند، و از نتایج کار خویش لذت و به توانایی‌هایشان پی می‌برند. می‌توان در برنامه‌ی آموزشی، ذوق و اشتیاق کودکان برای اجرای فعالیت‌های هنری را به سمتی هدایت کرد که به تربیت حواس (ایجاد حساسیت نسبت به حالات درون و فضای پیرامون)، پرورش ذهنیت و خلاقیت و تلطیف روحیه منجر شود. در این فعالیت‌ها، کودکان یک تجربه‌ی عام پرورشی را پشت سر می‌گذارند که برای رشد همه‌جانبه‌ی آن‌ها ضروری است. **در واقع، هدف از زنگ هنر تربیت هنرمند نیست، بلکه تربیت هنری است.** این تربیت در شکل‌گیری شخصیت کودکان نقشی اساسی دارد، زیرا تربیت و تقویت حواس و پرورش ذهنیت و خلاقیت کودکان لازمه‌ی رشد آن‌ها و برای تک‌تکشان ضروری است. در واقع، این تجربیات به قشر هنرمندان منحصر نیست و همه‌ی افراد باید به این درجه از شکوفایی و خلاقیت برسند تا زندگی بهتری را تجربه کنند.



زنگ هنر فرصتی مناسب برای بیان احساسات و تخیلات کودکان و آشنایی با زیبایی‌ها و تجربه‌ی عمیق درونی است که غالباً در کلاس‌های دیگر امکان‌پذیر نیست. ارتباط نزدیک با پدیده‌های طبیعی که به شناخت عمیق‌تر و دقیق‌تر آن‌ها می‌انجامد، آشنایی با هنرمندان و آثار هنری تاریخ ایران و شناخت ویژگی‌های فرهنگی و هنری هر منطقه، از مواردی هستند که کودکان می‌توانند در زنگ هنر تجربه کنند.

کودکان از سنین پیش از دبستان خودبه‌خود به کشیدن، ساختن، خواندن، حرکات نمایشی و قصه‌گویی می‌پردازند و به فعالیت‌های مشابه علاقه نشان می‌دهند. برنامه‌ریزان با بهره‌گیری از این زمینه‌ها در جهت آموزش‌وپرورش کودکان، تلاش می‌کنند آن‌ها را به یادگیری عمیق‌تری برسانند. بسیاری از برنامه‌های آموزشی براساس رفتارهای ساده و مورد





علاقه‌ی کودکان طراحی می‌شوند تا آن‌ها بتوانند ارتباط بهتر و عمیق‌تری با فعالیت هنری برقرار کنند.
در فعالیت‌های هنری، تفاوت‌های فردی و انگیزه‌های درونی آشکار می‌شوند. به این ترتیب، راه برای کشف استعدادها و هدایت دانش‌آموزان به رشته‌های تحصیلی و شغل‌های متفاوت باز می‌شود. زنگ هنر فضایی ایجاد می‌کند که کودکانی که در زمینه‌ی درس‌های دیگر چندان موفق نیستند، با توانایی‌های خود آشنا شوند و به ابعاد تازه‌ای از وجود خود توجه کنند. کشف توانایی‌های جدید و تأیید آن‌ها از سوی معلم، اعتمادبه‌نفس و موفقیت کودکان را در بخش‌های پرورش نیافته‌ی وجودشان بیشتر می‌کند.
یکی از مهم‌ترین تجربه‌های کودکان در زنگ هنر، تجربه‌ی سازندگی و ایجاد هماهنگی در فعالیت‌های فردی و گروهی است که میل به ویرانگری و تخریب را از بین می‌برد و ذوق کودکان را در جهت ایجاد و حفظ زیبایی‌ها پرورش می‌دهد.
با درود به تمامی معلمان هنر ایران که در طول یک قرن در زمینه‌ی پرورش کودکان دوره‌ی ابتدایی و هدایت آن‌ها تلاش کرده‌اند، باید باور کنیم، اگرچه زمان زنگ هنر در برنامه‌ی درسی بسیار ناچیز است، اما این فعالیت از اهمیت بسیاری برخوردار است.
در دهه‌های اخیر، معلمان هنر بسیاری با اجرای فعالیت‌های آزاد و خلاقانه، مسیر زندگی کودکان را تغییر داده و آن‌ها را به سمت‌وسویی هدایت کرده‌اند که دنیای تازه‌ای را پیش چشمانش آشکار کرده است.

این دنیای جدید امیدبخش و راضی‌کننده است و به زندگی رنگ و بویی تازه می‌دهد. بسیاری از معلمان هنر امروز تحت‌تأثیر معلم هنر دوران کودکی یا نوجوانی خود به این مسیر قدم گذاشته‌اند. این راه باید برای همه‌ی کودکان باز باشد. آن‌ها باید این فعالیت‌ها را تجربه کنند و در ضمن این تجربه‌ها بیاموزند، رشد کنند، لذت ببرند، ارضا شوند و خود را باور کنند. پس به اهمیت انجام فعالیت‌های هنری توجه کنیم و برگزاری زنگ هنر را یک ضرورت در نظر بگیریم. بیایید دوباره به زنگ هنر سلام کنیم، به نقش معلم در کلاس‌های هنر اهمیت بدهیم و به روش‌هایی که در زنگ هنر برای آموزش‌وپرورش کودکان به کار گرفته می‌شوند، توجه کنیم. می‌توانیم در زنگ هنر فضایی آزاد برای بیان احساسات و عواطف کودکان و پرورش توانایی‌ها ایجاد کنیم تا خود را بهتر و کامل‌تر بشناسند، راه را بیابند و در مسیر زندگی موفقیت‌های زیادی را تجربه کنند.
پس از تجربیات چند دهه‌ی اخیر در زمینه‌ی برنامه‌ریزی و آموزش هنر در مدرسه‌های ابتدایی سراسر کشور، بسیاری از معلمان و کارشناسان این حوزه باور دارند که زنگ هنر در شکل‌گیری شخصیت سالم کودکان سهم اساسی دارد و ضرورت وجود آن را در دوره‌ی ابتدایی تأیید می‌کنند.
در شماره‌های بعد، مطالب دیگری در پی این متن خواهد آمد که به معلمان جوان کمک می‌کند زنگ هنر پربارتری را اجرا و نتایج بهتری را تجربه کنند.

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی



سلام بر معلم هنر

آشنایی با دنیای ذهنی کودکان، افکار، عواطف و آرزوهای آن‌ها بسیار جالب و جذاب است. کودکان در نقش افراد مورد علاقه‌ی خود ظاهر می‌شوند و نقش بازی می‌کنند. حرکات و صدای حیوانات را تقلید می‌کنند، شکل‌های جدید می‌آفرینند و به هر چیز واقعی رنگ دل‌خواه می‌بخشند. بسیاری از پدیده‌های در دسترس خود را رنگ‌آمیزی و تزئین می‌کنند. از اتفاقات قصه می‌سازند و با دید خاص خود آن‌ها را به تصویر می‌کشند. با اشیا و موجودات گوناگون صحبت می‌کنند و به آن‌ها جان می‌بخشند. گاه نیز در مورد دوستان ذهنی خود داستان‌های عجیب تعریف می‌کنند.

معلمان پس از کسب تجربه و تدریس درس‌های گوناگون شناخت عمیقی از دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی کسب می‌کنند. توانایی‌ها، مهارت‌ها، ویژگی‌ها و تفاوت‌های آن‌ها را کشف می‌کنند و با ضعف‌ها و قدرت‌هایشان روبه‌رو می‌شوند. آن‌ها با آموزش درس‌ها توانایی‌های زیادی را در کودکان پرورش می‌دهند. هر یک از علوم بخشی از نیازهای کودک را برطرف می‌کند. ادبیات و رشته‌های هنری هم روح کودکان را صیقل می‌دهند و به احساسات آن‌ها عمق می‌بخشند.

در دوره‌ی ابتدایی، کودکان به تقویت شدن مهارت‌های فیزیکی و پرورش حساسیت‌های کلامی، حرکتی، دیداری و شنیداری نیاز دارند. معلم هنر به دانش‌آموزان کمک می‌کند دقیق‌تر گوش کنند، عمیق‌تر ببینند، به حرکات توجه کنند و نسبت به پدیده‌های اطراف حساسیت بیشتری نشان دهند. دانش‌آموزان باید به احساسات خود توجه کنند و بتوانند آن‌ها را به شیوه‌ی مناسب بیان کنند. اگرچه فعالیت‌های هنری در پرورش و تقویت این حواس نقش مؤثری دارند، ولی مهم‌ترین تأثیر فعالیت‌های هنری، پرورش ذهن و خلاقیت کودکان است.

علاوه بر تمایل فطری به زیبایی، یکی از ویژگی‌های دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی خیال‌پردازی و قدرت تخیل خاصی است که غالباً به مرور زمان رو به افول می‌رود. فعالیت هنری باید محل ابراز خیال‌پردازی‌ها و تخیلات کودکان باشد که در انواع رشته‌های هنری به ظهور می‌رسد. اگر معلم پرورش قدرت تخیل، خلاقیت و زیبایی را در روش کار خود مدنظر داشته باشد، می‌تواند در زنگ هنر از فعالیت هنری کودکان بهترین نتیجه‌ی آموزشی و پرورشی را کسب کند.

نکته‌ی اساسی این است که نباید از کودکان توقع داشت مانند هنرمندان بیندیشند و عمل کنند یا از آن‌ها الگو بگیرند و به تقلید از آثار هنری بزرگسالان بپردازند. تفکرات، تخیلات و ایده‌های کودکان ناب و استثنایی هستند و اگر ابراز نشوند خلاقیت آن‌ها شکوفا نمی‌شود. آن‌ها در مسیر رشد غالباً به دلیل پیروی از الگوهای اجتماعی در زمینه‌های گوناگون، توانایی خیال‌پردازی خود را از دست می‌دهند. معلم هنری که می‌داند کودک باید مراحل رشد خود را طی کند تا به دید واقع‌گرای بزرگسالان برسد، او را مجبور نمی‌کند در فعالیت‌های هنری از چیزی تقلید یا از روش خاصی پیروی کند. بلکه به دانش‌آموز اجازه می‌دهد بیندیشد، ایده‌پردازی کند، تخیلاتش را به مرحله‌ی ظهور برساند و تجربه‌های جدیدی کسب کند.

معلم هنر در کلاس به کودکان اجازه می‌دهد خود تصمیم بگیرند و عمل کنند و نتیجه‌ی تلاش خود را ببینند. بنابراین، از روش آموزش مستقیم استفاده نمی‌کند، بلکه اجازه می‌دهد کودکان برای هر فعالیت فکر کنند، راه‌های تازه را بیازمایند و دست به ابتکار عمل بزنند. در حین انجام این فعالیت‌ها، کودکان توانایی‌ها و ضعف‌های خود را می‌شناسند و با مشکلاتی روبه‌رو می‌شوند که حل کردن آن‌ها نیاز به تفکر

و مدیریت دارد. این تجربه‌ها نه تنها یادگیری و درک عمیق مباحث گوناگون را در پی دارند، بلکه به تقویت حواس، پرورش خلاقیت ذهنی، کشف استعدادها، خودباوری و ارضای درونی منجر می‌شوند. معلم هنر می‌داند که برنامه‌ی هنر در دوره‌ی ابتدایی برای تربیت هنرمند نیست و مانند درس‌های دیگر، هر کودک حق دارد مقدمات رشته‌های هنری را بیاموزد و با آثار هنری آشنا شود. در واقع، تربیت هنری در شکل‌گیری شخصیت نقشی اساسی دارد و برای کودکان مانند تربیت بدنی ضروری است. برنامه‌ریزی فعالیت‌های هنری دوره‌ی ابتدایی در برنامه‌ی درسی ملی براساس نظریه‌ی هوش‌های چندگانه‌ی گاردنر انجام شده است تا به پرورش حواس و ایجاد حساسیت و خلاقیت در زمینه‌های گوناگون منجر شود. بنابراین، تجربیات هنری منحصر به نقاشی یا محدود به قشر هنرمندان نیست و همه‌ی افراد باید به این درجه از شکوفایی و خلاقیت برسند تا زندگی را با عمق بیشتری تجربه کنند.

به همین دلیل، معلم در کلاس هنر به کودکان آزادی می‌دهد تا فرصتی برای بیان احساسات و تخیلات خود پیدا کنند. کودکان در کلاس هنر با زیبایی‌های طبیعت و آثار هنری آشنا می‌شوند و خود، آثار زیبایی اجرا می‌کنند.

معلم هنر علاقه‌های کودکان را می‌شناسد و از طریق آشناکردن کودکان با آثار هنری اصیل، سطح سلیقه‌ی آن‌ها را ارتقا می‌دهد.

او به کودکان اجازه می‌دهد درباره‌ی موضوعات مناسب گروه سنی خود تفکر و ایده‌پردازی و در رشته‌های گوناگون هنری فعالیتی طراحی کنند.

نمایش

اغلب کودکان به نمایش علاقه‌ی زیادی دارند. معلم می‌تواند در این زمینه آن‌ها را هدایت کند تا کار گروهی و مشارکت در اجرای برنامه را تجربه کنند. هنگامی که کودکان به‌صورت گروهی نگارش یک متن زیبا، ایجاد هماهنگی برای گویش زیبا، حرکات نمایشی طراحی‌شده، تزئین صحنه‌ی نمایش (نقاشی و ساخت ماکت و حجم سه‌بعدی)، انتخاب یا طراحی صدا و موسیقی، طراحی لباس، گریم بازیگران و کارگردانی را تجربه کنند، در واقع همه‌ی رشته‌های هنری را تجربه کرده‌اند. در مراحل تمرین و اجرای نمایش، معلم آن‌ها را به ایجاد زیبایی و تجسم تخیلاتشان هدایت می‌کند تا فعالیتی دلپذیر و فراموش‌نشدنی را تجربه کنند. شرکت در چنین فعالیتی به کشف توانایی‌های ناشناخته‌ی کودکان کمک می‌کند و آن‌ها را با ابعاد تازه‌ای از وجودشان آشنا می‌کند. فعالیت خلاقه در اجرای اثر هنری یک تجربه‌ی عمیق درونی است که غالباً در

اگرچه فعالیت‌های هنری در پرورش و تقویت حواس پنج‌گانه نقش مؤثری دارند، ولی مهم‌ترین تأثیر فعالیت‌های هنری، پرورش ذهن و خلاقیت کودکان است

انجام تمرین درس‌های دیگر امکان‌پذیر نیست. پس از انجام هر فعالیت هنری، معلم براساس شناخت کودکان و مفهوم خلاقیت هنری در این دوره، آن‌ها را تشویق و انگیزه‌ی فعالیت‌های بعدی را ایجاد می‌کند. در این راه، معلم نباید از کمبود امکانات نگران باشد، بلکه باید از طریق فعالیت‌های خلاق ساده، ذهن کودکان را به مسیر صحیح هدایت کند. همان‌گونه که بعضی معلمان خلاق هنر در شهرها و روستاها به دانش‌آموزان اجازه داده‌اند که با پودر ذغال روی برف نقشی ایجاد کنند، یا با کیسه‌ی آب سوراخ‌شده روی شن‌ها نقشی اجرا کنند. یا با بطری‌های مصرف شده‌ی آب در حیاط مدرسه حجم زیبایی بسازند. پس مهم‌ترین ویژگی معلم هنر موفق، استفاده از روش‌های خلاق در فعالیت‌های هنری فردی و گروهی است. همچنین، معلم هنر کودکان را در یافتن راه مناسب بیان هنری آزاد می‌گذارد. او به آن‌ها می‌آموزد که درباره‌ی اثر هنری خود (فردی یا گروهی) توضیح دهند. در کلاس‌های بالاتر دوره‌ی ابتدایی معلم هنر به کودکان می‌آموزد در مورد آثار هنری هم‌کلاسی‌های خود نظر بدهند و احساسات و برداشت خود از کارهای دیگران را بیان کنند. در کلاسی که با این روش برگزار شود، آثار متنوعی اجرا می‌شوند که نتیجه‌ی ذهن خلاق کودکان‌اند. در واقع، هدایت کودکان به تقلید و کپی‌برداری از آثار دیگران مانع فعالیت خلاقه و بروز افکار و عواطف فردی است که هنر به آن تأکید دارد. در مقاله‌ی بعد، در مورد روش‌های صحیح آموزش هنر در مدرسه مطالبی ارائه خواهیم کرد.



عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

سلام بر روش‌های صحیح آموزش هنر



معلم ابتدایی الگوی بسیار مهمی در زندگی کودکان است و تأثیر بسزایی بر شکل‌گیری شخصیت آن‌ها دارد. پس نه‌تنها آنچه تدریس می‌کند، بلکه رفتارهایش، به‌صورت غیرمستقیم الگوی آموزش کودکان هستند. بنابراین، روشی که برای برگزاری کلاس و ارائه‌ی ایده‌های کودکان در کلاس و تشویق کودکان انتخاب می‌کند، اهمیت بسیاری دارد.

کلاس هنر محل ابراز خیال‌پردازی و تخیلات کودکان است. معلم هنر باید قدرت تخیل، خلاقیت و زیبایی خاص آثار کودکان را در روش کار خود مدنظر قرار دهد. این مفاهیم باید در محدوده‌ی سنی کودکان دوره‌ی ابتدایی معنی شوند، زیرا در این سن کودکان در آغاز تجربه‌ی جهان و شناخت پدیده‌های آن هستند. حساس شدن نسبت به ویژگی‌های پدیده‌ها و درک عمیق آن‌ها احساسات و رشد درونی کودکان را توسعه می‌دهد. مهم‌ترین تأثیر معلم هنر این است که به کودکان می‌آموزد به احساسات خود توجه و آن‌ها را به شیوه‌ی مناسب بیان کنند. بنابراین، اگرچه انجام فعالیت‌های هنری در پرورش و تقویت حواس کودکان نقش مؤثری دارد، ولی مهم‌ترین تأثیر این فعالیت‌ها پرورش ذهنیت و خلاقیت دوران کودکی است.

روش‌های صحیح آموزش هنر دوره‌ی ابتدایی براساس شناخت علمی، به خصوص روان‌شناسی رشد و مراحل تحول کودک، برنامه‌ریزی شده است. در این برنامه‌ها، امکان شناخت هرچه بیشتر ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل دانش‌آموزان، علاقه‌ها و نیازهای آن‌ها در سنین گوناگون فراهم می‌شود تا راهنمای برنامه‌ریزان سطوح تحصیلی باشد. معلم هنر باید بداند که کودک مراحل رشد ذهنی خود را به مرور طی می‌کند و به دید واقع‌گرای بزرگسال می‌رسد. به همین دلیل، نباید او را مجبور کند در فعالیت‌های هنری از کسی یا چیزی تقلید یا از روش خاصی پیروی کند.

معلم هنر دوره‌ی ابتدایی به کودکان اجازه می‌دهد درباره‌ی هر فعالیت تفکر کنند، ایده‌ی شخصی خود را ارائه دهند، تخیلاتشان را به مرحله‌ی ظهور برسانند و تجربه‌های جدیدی کسب کنند. در چند دهه‌ی اخیر، پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که برنامه‌های درسی هنر و روش آموزش باید به نحوی طراحی شود که کودکان علاوه بر آزادی عمل خلاق، رشد کنند و پرورش یابند. بنابراین، فعالیت هنری فقط جنبه‌ی بازی و سرگرمی یا تخلیه‌ی انرژی ندارد و باید هدف‌های دیگری را دنبال کند.

دکتر **مهرمحمدی** در کتاب «چیستی، چرایی و چگونگی آموزش هنر»، درباره‌ی رویکردهای معاصر آموزش هنر می‌نویسد:

- «معلم هنر می‌تواند در کسب تجربه‌های ارزشمند شاگردان نقش مهمی ایفا کند. از جمله در رویکرد دیسیپلین‌محور، یادگیری مستلزم تدارک آموزش‌های حمایت‌کننده و مشوق نیز هست. برنامه‌ی درسی یا فعالیت‌های مسئله‌محور رضایت درونی یادگیرندگان را فراهم می‌کنند؛
- کسب مهارت‌های هنری در خلق و ادراک هنر کاری حساس و دشوار و مستلزم دقت، تمرین و تکرار، کاوش و تداوم کوشش و تمرین است؛ اما یادگیری چگونه ادراک کردن، خلق کردن، فهمیدن و قضاوت کردن، در مقایسه با کسب مهارت‌های عملی، به کوشش و تلاش بیشتری نیاز دارد؛
- یادگیری هنر باید با جریان رشد دانش‌آموزان هم‌خوانی داشته باشد. رویکرد دیسیپلین‌محور بر این فرض متکی است که معلمان به اندازه‌ی کافی با ویژگی‌ها و توانایی تحول دانش‌آموزان آشنایی و نسبت به آن حساسیت دارند. تنها در این‌صورت آموزش آن‌ها اثربخش خواهد بود؛
- تکالیف یا برنامه‌ای که برای شاگردان طراحی می‌شود، باید برای آن‌ها معنادار باشد. به عبارت دیگر، آن‌ها باید برای انجام

تکالیف یادگیری انگیزه‌ی درونی داشته باشند و جریان یاددهی-یادگیری به انگیزش بیرونی متکی نباشد. لازم است آموزش هنر بر فعالیت‌های لذت‌بخش و ارضاکننده مبتنی باشد تا نتایج حاصل از اجرای آن‌ها یا تجربه‌هایی که به‌دست می‌آید، در خارج از کلاس درس نیز کاربرد داشته باشد. در این‌صورت، آموزش به خوبی تحقق می‌یابد».

در اغلب رویکردهای آموزش هنر معاصر، فعالیت‌ها به نحوی برنامه‌ریزی و طراحی می‌شوند که کودکان را به تفکر یا به حل مسئله وادارند. معلم فرایند انجام کار و نتیجه‌ی نهایی را مورد نظر قرار می‌دهد و کودکان را در مسیر تفکر، ایده‌یابی، اجرا و روش بیان موضوع تشویق می‌کند. در این شرایط درک موضوع، ایده‌یابی و کشف بهترین شیوه‌ی اجرای فعالیت هنری و نتیجه‌ی نهایی متعلق به کودک و منحصربه‌فرد است. بنابراین، تأیید کودک در او اعتمادبه‌نفس ایجاد و او را به انجام تجربه‌های مشابه تشویق می‌کند.

در این رویکردها، روش آموزش صرفاً بر ایجاد مهارت‌های هنری مبتنی نیست، بلکه هدف پرورش ذهنیت و خلاقیت کودکان است. زیرا این آموزش‌ها به دنبال تربیت هنرمند نیستند و پرورش توانایی‌های عمومی کودکان مورد نظر است تا همه‌ی آن‌ها در زندگی و شغل آینده، افرادی متفکر، مبتکر و توانمند باشند. آن‌ها باید در حین تجربه‌های خود با خلق اثر هنری آشنا شوند و بتوانند ارتباط میان احساسات و ادراکات هنرمند را با اثر هنری درک کنند. همچنین، بیاموزند که درباره‌ی اثر خود و دیگران بیندیشند و درباره‌ی آن‌ها صحبت کنند. بدین ترتیب می‌توانند ارتباط میان هنر و فرهنگ را درک کنند.

طراحی فعالیت‌ها باید متناسب با وضعیت روحی و جسمی شاگردان صورت بگیرد تا علاوه بر اینکه برای کودکان لذت‌بخش و آموزنده است، انگیزه‌ی فعالیت‌های بعدی را در آن‌ها ایجاد کند. در چنین شرایطی، کشف استعدادها و علاقه‌های کودکان، در ضمن فعالیت‌های متنوع و آزاد هنری میسر می‌شود و معلم می‌تواند انگیزه‌های درونی شاگردان را شناسایی و تقویت کند تا هر یک راه خود را بیابند و به شیوه‌ی صحیح ادامه دهند. از طرف دیگر، برای ابتکار و خلاقیت به انگیزه‌ی بیرونی مانند تشویق و جایزه متکی نباشند و به صورت خودجوش به تفکر، خلاقیت و ایجاد زیبایی در زمینه‌های مختلف بپردازند. بدین ترتیب، ارتباط میان هنر و زندگی را درک کنند.

با توجه به موارد ذکر شده، تأثیر انجام فعالیت‌های هنری بر شکل‌گیری شخصیت کودکان مشخص می‌شود. در صورتی که در روش‌هایی که ابتدا در مورد آن‌ها صحبت شد، معلم کودکان را به تقلید از روش

معلم هنر دوره‌ی ابتدایی به کودکان اجازه می‌دهد درباره‌ی هر فعالیت تفکر کنند، ایده‌ی شخصی خود را ارائه دهند، تخیلاتشان را به مرحله‌ی ظهور برسانند و تجربه‌های جدیدی کسب کنند

بزرگسالان در انجام آثار هنری وامی‌دارد. به این ترتیب، کودکان وابسته به نظرات دیگران و متکی به نمونه‌های آماده و الگوهای هنری تربیت می‌شوند. زیرا به صورت مستقل درباره‌ی فعالیت‌ها نمی‌اندیشند و درباره‌ی موضوعات تفکر نمی‌کنند؛ راه‌حلی را جست‌وجو نمی‌کنند، ایده‌ی شخصی ارائه نمی‌دهند و به تقلید عادت می‌کنند.

در واقع، در دوره‌ی ابتدایی غالباً شاگردان مهارت‌های جسمی و روحی لازم و توانایی تقلید از آثار هنری هنرمندان در زمینه‌ی خوش‌نویسی، نقاشی، ساختن حجم، اجرای نمایش یا موسیقی را ندارند و در بسیاری از موارد مفهوم و معنای فعالیت را درک و با اثر هنری ارتباط احساسی برقرار نمی‌کنند. در حالی که کودکان دوره‌ی ابتدایی، هر یک ذهنیتی منحصربه‌فرد و تخیلات، احساسات و درک خاصی از پدیده‌های گوناگون دارند که اگر از طریق فعالیت‌های هنری ابراز نشود، در اثر رشد و تحول به دید واقع‌گرای بزرگسالان آن‌ها را به فراموشی خواهند سپرد. به این ترتیب، شناخت عمیقی از خود و احساسات و ادراک و توانایی‌های خود در زمینه‌های مختلف نخواهند یافت و ارتباط میان هنر، فرهنگ و زندگی را درک نخواهند کرد. پس سلام بر روش‌های صحیح آموزش هنر که متناسب با سن و شرایط کودکان برنامه‌ریزی و طراحی شده تا به کسب بهترین نتایج در کلاس هنر منجر شود و درود بر معلمانی که همواره از بهترین روش‌ها در آموزش درس‌ها بهره می‌گیرند.



عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت‌دبیر شهید رجایی



سلام بر فعالیت‌های متنوع هنری

نظریه‌ی گاردنر[1] در مورد هوش‌های چندگانه و پژوهش‌های بعد از آن بر نحوه‌ی آموزش و میزان یادگیری دانش‌آموزان تأثیر زیادی داشت. پیش از طرح این نظریه، تجربه‌ی معلمان هم مشخص کرده بود که دانش‌آموزان در برخی از زمینه‌های برنامه‌ی تحصیلی موفق می‌شوند، اما در سایر زمینه‌ها، اگرچه تلاش می‌کنند، نتیجه‌ی مطلوبی به دست نمی‌آورند. براساس نظریه‌ی هوش‌های چندگانه، هر فرد حداقل در زمینه‌ی دو یا سه هوش توانایی‌های قابل توجهی دارد که روش‌های آموزشی باید درجهت کشف و پرورش آن‌ها برنامه‌ریزی شوند. علاوه براین، فقط کشف این هوش‌ها مورد توجه نیست، بلکه هر فرد باید در زمینه‌ی هوش‌های دیگر هم آموزش ببیند و به نتایج قابل قبولی دست یابد.

در کتاب «هوش‌های چندگانه در کلاس درس»، به نقل از گاردنر، آمده است: هر نوع هوش در مغز مرکزی دارد که محل آن در قشر خاکستری مغز شناخته و مشخص شده است. مهم‌ترین انواع هوش شناخته شده عبارت‌اند از:

● **هوش کلامی (زبانی):** مربوط به توانایی کاربرد درست واژه‌ها و عبارت‌ها به‌صورت گفتاری و نوشتاری است و در شاعران، نویسندگان، وکلا و روزنامه‌نگاران برجسته است.

● **هوش منطقی ــ ریاضی:** توانایی استفاده‌ی درست از اعداد و ارقام و بیان استدلال منطقی و درست در طبقه‌بندی، استنباط، تعمیم، محاسبه، آزمون و فرضیه است که در علمای منطق، دانشمندان علوم تجربی و ریاضی‌دانان برجسته است.

● **هوش فضایی ــ مکانی:** به توانایی تفکر در قالب شکل‌ها و الگوها مربوط است و مستلزم شناسایی رنگ، خط، شکل، فضا و روابطی است که میان این عناصر وجود دارند. این هوش همچنین به توانایی تجسم و بازنمایی این عناصر ارتباط دارد و در نقاشان، معماران، خلبانان، دریانوردان و جراحان برجسته است.

● **هوش حرکتی ــ جسمانی:** به توانایی بهره‌گیری از کل یا بخش‌هایی از بدن برای بیان افکار و احساسات مربوط است. داشتن مهارت‌های فیزیکی خاص از قبیل تعادل، هماهنگی، چالاکی، قدرت، انعطاف‌پذیری، سرعت و همچنین توانایی حس لامسه را شامل می‌شود که ورزشکاران، هنرپیشگان و جراحان بیشتر در آن‌ها تبحر دارند.

● **هوش موسیقایی:** به ظرفیت تفکر در حیطه‌ی موسیقی نظیر حساسیت به صداها و ضرباهنگ محیط زندگی، درک الگوهای موسیقایی، تشخیص اصوات و آهنگ‌سازی مربوط است. این نوع هوش در موسیقی‌دانان و نوازندگان برجسته است.

● **هوش درون‌فردی:** شناخت دقیق فرد از خویشتن را نشان می‌دهد و به علاقه‌ها، تمایلات، ضعف‌ها و قوت‌ها، حالات درونی، قدرت خویشتن‌داری، انضباط فردی و عزت نفس فرد و آگاهی از آن‌ها مربوط است.

● **هوش میان‌فردی (اجتماعی):** به توانایی درک احساسات و حالات درونی دیگران مربوط است که مستلزم شناخت حالات چهره، صداها، ایما و اشارات است و به برقراری ارتباط با دیگران کمک می‌کند. این نوع هوش در معلمان، درمانگران، فروشندگان و سیاستمداران برجسته است.

● **هوش طبیعت‌گرا:** به مهارت در شناخت و طبقه‌بندی گونه‌های گیاهان، جانوران، محیط فردی یا سایر پدیده‌ها مثل تشکیل ابرها و کوه‌ها و توانایی تشخیص دادن موجودات زنده از غیرزنده مربوط است. این هوش در زیست‌شناسان برجسته است.

● **هوش وجودگرا:** به توجه انسان به معنای زندگی و مرگ، سرنوشت نهایی انسان و جهان مادی و معنوی مربوط است. این مباحث را بیشتر افراد مذهبی یا فلاسفه بررسی می‌کنند (آرمسترانگ، ۱۳۸۳: ۱۱-۱۲).



پژوهش‌ها نشان می‌دهند، لازم است دانش‌آموزان در زمینه‌ی انواع هوش آموزش ببینند تا میزان حساسیت آن‌ها در هریک افزایش یابد. هنر نباید به یک یا دو رشته محدود شود. کودکان حق دارند در تمام زمینه‌ها آموزش ببینند و پیشرفت کنند. انجام فعالیت‌های هنری در دوره‌ی ابتدایی یکی از راه‌های مؤثر پرورش انواع هوش است.

برای بروز خلاقیت در کودکان باید آن‌ها را در یافتن راه مناسب بیان هنری آزاد گذاشت و از دادن الگو، روش یا حرکت‌های از پیش تعیین شده خودداری کرد. طبیعت منبع الهام هنری است. کودکان باید بیاموزند به تنوع شکل‌ها، رنگ‌ها، بافت‌ها، حرکت‌ها، صداها و سایر ویژگی‌های طبیعت توجه و هنگام انجام فعالیت‌ها از این اطلاعات به خوبی استفاده کنند. بنابراین، باید فرصت ایجاد ارتباط با طبیعت برای دانش‌آموزان ایجاد شود تا در این زمینه تجربه‌ی کافی کسب کنند.

معلمان در این روش در می‌یابند، برخی از کودکان در طبیعت بیشتر به صداها توجه می‌کنند؛ بعضی هم به اجزای طبیعت توجه دارند و به سنگ‌های ریز، خال پروانه، ستاره‌های آسمان و تنوع خطوط در پدیده‌های طبیعت علاقه دارند یا به شکل برگ‌ها یا سنگ‌ها دقت می‌کنند و جلب رنگ‌های زیبای طبیعت می‌شوند. گاه کودکان به حرکت حشرات یا پرندگان، تأثیر باد بر شاخ و برگ درختان یا جریان آب توجه می‌کنند. این تنوع علاقه‌ها به علت برتری یکی از هوش‌ها پدید می‌آید. هنگامی که معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد هریک در مورد آنچه مشاهده کرده‌اند صحبت کنند، هر دانش‌آموز با توجه به برتری هر یک از هوش‌ها، به پدیده‌های خاصی توجه و علاقه نشان می‌دهد. برای انجام فعالیت هنری هم به‌صورت مستقل عمل می‌کند.

بعضی از دانش‌آموزان ترجیح می‌دهند درباره‌ی حرکت جمعی مورچه‌ها در اطراف لانه‌شان داستان بنویسند. برخی تمایل دارند از این موضوع نقاشی بکشند یا با گِل یک لانه و تعدادی مورچه بسازند. بعضی دوست دارند صداها یا حرکات پرندگان و حیوانات را تکرار و نقش آن‌ها را اجرا کنند.

برخی علاقه دارند در مورد لانه ساختن و تخم‌گذاری پرندگان قصه بگویند. بعضی از کودکان به جمع‌آوری سنگ و صدف و میوه‌ی کاج و چیدن آن‌ها به شکل‌های متنوع علاقه دارند. هریک از این موارد با یکی از هوش‌ها مرتبط است که در کودک قوی‌تر است. بنابراین، معلمان می‌توانند متناسب با علاقه‌های کودکان آن‌ها را به انجام فعالیت هنری ترغیب کنند و ایده‌های خلاقه‌شان را تشویق کنند.

معلم می‌تواند بعضی از دانش‌آموزان را که به‌صورت خودجوش فعالیت نمی‌کنند و برای کار هنری ایده‌ای ندارند، به دیدن و جست‌وجو کردن در طبیعت هدایت کند تا نسبت به یک پدیده علاقه نشان دهند. سپس بپرسد که چگونه می‌توان برای این پدیده فعالیت هنری طراحی کرد؟ آیا باید داستان آن را نوشت یا با آن چیزی ساخت؟ یا چه کار جالب دیگری را می‌توان طراحی کرد؟ به این ترتیب، آن‌ها را هدایت کند تا راه خاص خود را بیابند.

در هر منطقه‌ی جغرافیایی، ویژگی‌های خاصی وجود دارد که معلم می‌تواند توجه دانش‌آموزان را به آن‌ها جلب کند تا با جست‌وجو و بهره‌گیری از عناصر موجود در طبیعت، آثار متنوعی پدید بیاورند. می‌توان سنگ‌های ریز و درشت، صدف‌های زیبا، گل‌ها و برگ‌های متنوع، پوسته‌ی درختان، پر پرندگان، شاخه، برگ و خارهای گوناگون، شن، ماسه و خاک را برای اجرای فعالیت هنری به‌کار گرفت. می‌توان مراحل رشد گیاه را نمایش داد یا داستان ماندن یک سیب را بر درخت نوشت. طبیعت امکانات متنوعی را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد و معلم با هدایت و راهنمایی آن‌ها، ایشان را به اجرای فعالیت‌های متنوع هنری ترغیب می‌کند.

دانش‌آموزان با دیدن آثار هم‌کلاسی‌های خود در تجربه‌های آن‌ها شریک می‌شوند و به پدیده‌هایی دقت می‌کنند که مورد توجه خودشان نبوده است. به این ترتیب، معلم هنر، علاوه بر ایجاد حساسیت و جلب دقت به پدیده‌های طبیعت، در زمینه‌ی آموزش هوش‌های چندگانه و پرورش خلاقیت دانش‌آموزان هم گام برمی‌دارد.

پی‌نوشت

۱. معلمان می‌توانند برای آشنایی بیشتر با گاردنر و هوش‌های چندگانه‌ی او از کتاب هوش‌های چندگانه در کلاس‌های درس، نوشته‌ی توماس آرمسترانگ، ترجمه‌ی مهشید صفری و نشر انتشارات مدرسه استفاده کنند

فریبا شاپوریان
عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت‌دبیر شهید رجایی

سلام بر پرورش هنری کودکان



معلمان باتجربه می‌دانند که برخی از دانش‌آموزان در انجام فعالیت‌های تحصیلی احساس ناتوانی و ناامیدی دارند و فکر می‌کنند نمی‌توانند موفق شوند. در حالی‌که بعضی از آن‌ها پس از ارائه‌ی برنامه، یا مطرح کردن موضوع، شروع به کار می‌کنند و نتیجه‌ی مطلوب هم می‌گیرند. در کلاس هنر این موضوع بارها اتفاق می‌افتد. نقش معلم در زمینه‌ی هدایت و راهنمایی کودکانی که احساس ناتوانی دارند بسیار حائز اهمیت است. معلم هنر برای کمک به این قبیل کودکان می‌تواند از روش‌های گوناگون استفاده کند؛ از جمله:

● ساده‌ترین روش کار با کودکان ارائه‌ی برنامه‌های اتفاقی است. معلم می‌تواند از دانش‌آموزان بخواهد به شکل ابرها نگاه کنند و بگویند هر کدام شبیه چه پدیده‌ی آشنایی هستند. یا یک کاغذ مصرف‌شده را مچاله کنند و تشخیص دهند به چه چیزی شباهت دارد و آن را با وسایل دیگری مثل کاغذ بریده، لوازمی مانند گیره‌ی پرونده و تکمه، رنگ‌آمیزی با آبرنگ یا گواش کامل کنند. همچنین، معلم می‌تواند از آن‌ها بخواهد شکل‌های هندسی بریده شده را از زاویه‌های گوناگون ببینند و هر کدام را به دلخواه خود نقاشی کنند. همچنین، می‌توانند خمیر یا گِل حجم‌سازی را به شکل توپ یا فتیله در آورند و با اضافه‌کردن جزئیات، آن را به شکل دلخواه درست کنند. در این برنامه‌ها هر یک از دانش‌آموزان برحسب توان خود به فعالیت هنری می‌پردازد و موضوع‌یابی می‌کند؛ بنابراین، ترس کودک از اجرای برنامه با موضوعی که از نظر او بسیار پیچیده است، از بین می‌رود. پس از تأیید و تشویق معلم، اعتمادبه‌نفس کودک افزایش می‌یابد. به این ترتیب، در اجرای فعالیت‌های بعدی با شهامت بیشتری اقدام خواهد کرد.

● چنانکه گفته شد، کلاس هنر نباید به یک یا دو رشته‌ی هنری محدود باشد. کودکان باید در تمام زمینه‌ها تجربه و پیشرفت کنند. برای بروز خلاقیت در کودکان باید آن‌ها را در یافتن راه مناسب بیان هنری آزاد گذاشت و از دادن الگو، روش یا حرکت‌های از پیش تعیین‌شده خودداری کرد.

بنابراین، متناسب با رشته‌ای هنری که در هر جلسه در کلاس تجربه می‌شود، معلم می‌تواند از روش مرحله‌به‌مرحله استفاده کند. در این روش، معلم از کودکی که برای کشیدن نقاشی موضوعی مانند بادکنک فروش احساس ناتوانی می‌کند، می‌خواهد یک دایره در صفحه‌ی کاغذ بکشد. پس از آنکه کودک یک دایره کشید، از او می‌خواهد اجزای صورت را در این دایره رسم کند تا سر بادکنک‌فروش کامل شود. سپس از او می‌خواهد گردن مرد بادکنک‌فروش را بکشد و در مرحله‌ی بعد بدن او را به گردن اضافه کند. ممکن است کودک به جزئیاتی مانند کفش‌ها، دست‌ها و جیب و یقه و تکمه‌ی لباس توجه نکند. معلم از او می‌خواهد این بخش‌ها را به نقاشی اضافه کند. سپس از کودک می‌خواهد یک چوب در دست مرد بادکنک‌فروش بکشد و چند نخ به آن وصل کند و سر هر نخ یک بادکنک بکشد. به این ترتیب، مرحله به مرحله‌ی کار کامل می‌شود و کودک می‌بیند که یک نقاشی کامل را کشیده است و می‌تواند آن را به دلخواه رنگ‌آمیزی کند.

به کمک این روش کودکان می‌توانند موضوعات پیچیده را به صورت ساده و مرحله‌به‌مرحله رسم کنند. این تجربه‌ها به این کودکان می‌آموزد که هر موضوع پیچیده‌ای را می‌توانند اجرا کنند. ترس از انجام فعالیت در آن‌ها از بین می‌رود و مانند سایر کودکان به کلاس هنر علاقه‌مند می‌شوند.

همچنین، معلم هنر می‌تواند برای ساختن حجم یک حیوان مانند فیل، از کودکان بخواهد با خمیر، گِل، کاغذ خیس‌شده یا ماده‌ی در دسترس دیگر، یک حجم گرد بزرگ برای بدن فیل بسازند و دم فیل را به آن اضافه کنند. سپس یک کره‌ی دیگر برای سر فیل بسازند و به آن وصل کنند. در مرحله‌ی بعد، یک فتیله برای خرطوم آماده و به سر وصل کنند؛ بعد گوش‌ها را بسازند و به آن اضافه کنند. چهار حجم استوانه‌ای شبیه درخت بسازند و دست



و پای فیل را به بدن آن وصل کنند. در صورت تمایل، برای فیل خود دندان یا عاج بسازند و به کار اضافه کنند. معلم هنر همه‌ی نمونه‌ها را تأیید و دانش‌آموزان را تشویق می‌کند؛ چون هر کدام ایده‌ی ذهنی خود را به اجرا درآورده است. در دوره‌ی ابتدایی، سطح خلاقیت کودکان بسیار بالاست و ارائه‌ی این تنوع و تفاوت دید جذابیت زیادی ایجاد می‌کند.

روش صحیح کار با کودکان به این تنوع منجر می‌شود، در حالی‌که الگوبرداری یا پیروی از دستورات خاص، مانع بروز ایده‌های بدیع کودکان می‌شود.

● چنانکه گفته شد، برخی از آموزش‌ها و مهارت‌های علمی، ارتباط کودکان را با دنیای واقعی تقویت نمی‌کنند، ولی معلمان هنر می‌توانند این آموزش‌ها را در طبیعت انجام دهند. فرصت گردش در طبیعت باعث می‌شود کودکان انواع هوش‌های خود را به روش‌های عملی به‌کار گیرند. معلم هنر دانش‌آموزان را برای جست‌وجو و مشاهده‌ی ویژگی‌های پدیده‌های طبیعی راهنمایی می‌کند. کودکان در این فرصت با طبیعت ارتباط برقرار می‌کنند و هر یک براساس توانایی هوش‌های چندگانه‌ی خود جذب یکی از ویژگی‌های طبیعت می‌شوند. معلم هنر پس از گردش در طبیعت از کودکان می‌خواهد بگویند به چه چیزهایی توجه کرده‌اند و براساس علاقه‌های خودشان فعالیت هنری انجام دهند. هنگامی‌که هر دانش‌آموز در مورد آنچه مشاهده کرده است، صحبت کند دیگران هم در تجربه‌های آن‌ها شریک می‌شوند و نسبت به ویژگی‌های متفاوت طبیعت حساسیت پیدا می‌کنند. بعضی از کودکان هم در مورد پدیده‌های طبیعی شعر یا داستان می‌نویسند و برخی به نقاشی از صحنه‌های زندگی حیوانات یا نمایش گل‌ها و گیاهان علاقه نشان می‌دهند. گاه کودکی می‌خواهد ماکت لانه‌ی زنبورها را بسازد و زندگی گروهی زنبورها را تجسم بخشد. گاه کودکی به تقلید صدای پرندگان یا حالت راه رفتن حیوانات علاقه دارد و به نمایش یک صحنه‌ی طبیعی می‌پردازد. بعضی از کودکان هم سنگ‌ها را جمع می‌کنند تا آن‌ها را رنگ‌آمیزی کنند یا چیزی با آن‌ها بسازند. گاه کودکی با جمع‌آوری شاخ و برگ درختان یک حجم زیبا می‌سازد. گاه یکی از دانش‌آموزان با جمع‌آوری پر پرندگان و گلبرگ گل‌ها و برگ‌ها به کلاژ (تکه چسبانی) می‌پردازد. بنابراین، معلم متناسب با علاقه‌های کودکان، آن‌ها را به انجام فعالیت هنری ترغیب و تشویق می‌کند. او دانش‌آموزانی را که ایده‌ای برای اجرای فعالیت هنری ندارند، به جست‌وجو کردن در طبیعت و یافتن پدیده‌ای دلخواه هدایت می‌کند. پس از یافتن موضوع دلخواه، در مورد ایده‌ی کار هنری از او سؤال می‌کند تا کودک بتواند موضوع دلخواه خود را در یک رشته‌ی هنری ارائه دهد. معلم با تأیید و راهنمایی آن‌ها، دانش‌آموزان را به اجرای فعالیت‌های متنوع هنری تشویق می‌کند. معلم هنر با اشراف بر روان‌شناسی رشد و آگاهی از توانایی‌های ذهنی و فیزیکی دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی، سطح انتظارات خود را مشخص می‌کند. بنابراین، آنچه از کودک پایه‌ی اول ابتدایی پذیرفته می‌شود، با انتظارات معلم از دانش‌آموز پایه‌ی ششم متفاوت است. به این ترتیب، ارائه‌ی موضوع کار هنری هماهنگ با پایه‌های تحصیلی صورت می‌گیرد. اگر معلم کودک پایه‌ی اول ابتدایی را با کشیدن جزئیات یک چهره تشویق می‌کند، از کودک پایه‌ی چهارم انتظار دارد بتواند صف مسافران قطار را روی کاغذ به خوبی نشان بدهد. معلم هنر باید هم‌زمان با استفاده از روش‌های صحیح آموزش غیرمستقیم در کلاس هنر، با میزان توانایی‌های شاگردان هم آشنا باشد و در هر پایه انتظارات بیشتری را مطرح کند و در پرورش هوش و استعداد و شکوفایی خلاقیت آن‌ها سهم بیشتری را به عهده بگیرد؛ اگرچه گاه استعداد و هوش برخی از شاگردان از حد انتظار بالاتر است و معلم باید راه را برای رشد و شکوفایی توانایی‌های آن‌ها باز بگذارد.

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

سلام بر شناخت آثار هنری ایران



شناخت میراث فرهنگی غنی ایران که در طول تاریخ به دست آمده است، به شکل‌گیری شخصیت کودکان و شناخت جایگاهشان در جهان کمک می‌کند. این شناخت نه‌تنها از نظر انجام فعالیت‌های هنری مؤثر است، بلکه از لحاظ شناخت ارزش‌های مادی و فرهنگی آثار هنری نیز اهمیت دارد. کودکانِ امروز باید بیاموزند که وظیفه‌ی حفظ و تداوم ارزش‌های فرهنگی و تاریخی را به عهده دارند.

معلم هنر برای آشنا کردن کودکان با تاریخچه، انواع و روش تهیه‌ی آثار هنری باید اطلاعات کافی در اختیار داشته باشد و این اطلاعات را از منابع مختلف و معتبر تهیه کند. بازدید از موزه‌ها و استفاده از اطلاعاتی که در مورد قدمت، جنس، روش ساخت یا ویژگی‌های خاص آثار هنری ارائه می‌دهند، خواندن مقالات و کتاب‌هایی درباره‌ی هنر ایران و اطلاعات سایت‌های اینترنتی در این زمینه مفیدند. معلم دوره‌ی ابتدایی باید انواع هنرهای ایرانی را بشناسد و در زمینه‌ی روش ساخت آن‌ها اطلاعاتی جمع‌آوری و نمونه‌های شاخص آثار هنری را به کودکان معرفی کند. هنرهای ایرانی از معماری گرفته تا ساخت اشیای کوچک مانند عطردان‌های شیشه‌ای، ویژگی‌های فرهنگی خاصی را نمایان می‌کنند که در جهان منحصربه‌فردند. به دلیل زیبایی، ظرافت و مهارت ساخت نمونه‌های هنری ایرانی، فضاهایی را به نمایش این آثار اختصاص داده‌اند. بنابراین، ما مسئولیت بزرگی در قبال شناخت، حفظ و تداوم این هنرها داریم و باید در این مسیر بکوشیم.

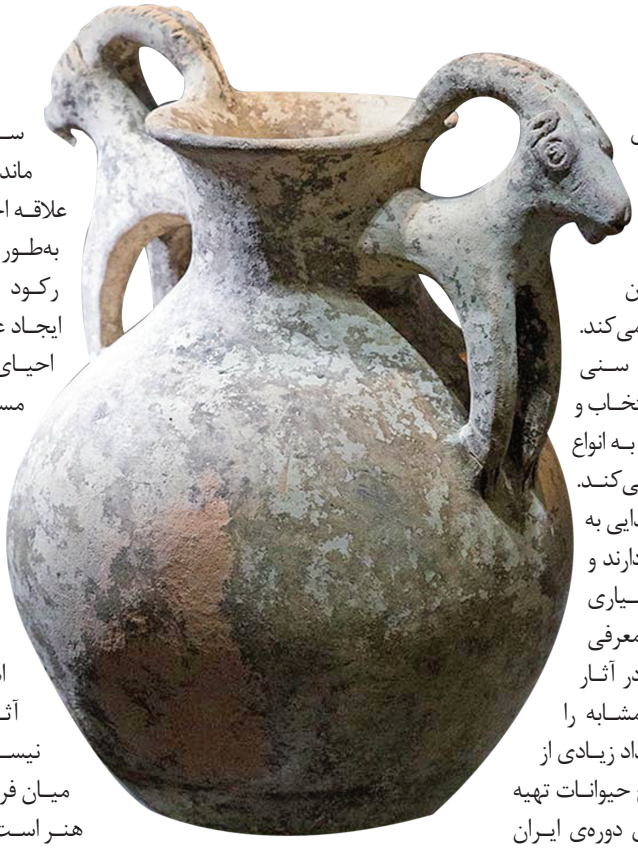
شناخت کودکان از ویژگی‌های هنر معماری ایران و آشنایی با آثار شاخص آن ضرورت دارد و معلم هنر می‌تواند با معرفی بناهای تاریخی خاص، بر بناهای منطقه‌ی خدمت خود تأکید کند. در استان‌های کشور عزیزمان ایران آثار متنوع معماری از دوره‌های گوناگون باقی مانده‌اند که بسیاری از آن‌ها از نظر جهانی ارزش بسیار دارند. بازدید از مکان‌های تاریخی منطقه و ارائه‌ی اطلاعات مناسب در زمینه‌ی ساخت و کاربرد بنا، شناخت بهتری از اهمیت معماری و تزئینات آن ایجاد می‌کند. بسیاری از هنرهای ایرانی به معماری وابسته‌اند و برای تزئین سطوح به‌کار رفته‌اند؛ از جمله حجاری، آجر کاری، گچبری، کاشی‌کاری و آیینه‌کاری. آثار بسیار ارزشمند نقاشی و خوش‌نویسی، به‌خصوص در دوره‌ی اسلامی، دو نمونه از هنرهای ایرانی هستند که زینت‌بخش بسیاری از موزه‌های داخل و خارج از کشورند. ارائه‌ی نمونه‌های این آثار، نه‌تنها دید کودکان را از نظر زیباشناسی تربیت می‌کند، بلکه ممکن است آن‌ها را به این هنرها علاقه‌مند کند تا در آینده هنرمندان جدید در این عرصه پدید آیند.

بر این اساس، معرفی و بیان اهمیت آثار هنری فلزی دوره‌های تاریخی، مانند زینت‌آلات، کمربند، خنجر، شمشیر، کلاهخود، دهانه‌ی اسب، ابزار، عودسوز، پایه‌ی شمعدان، قفل، لیوان، ظروف متنوع، صندوق و انواع اشیای فلزی که پیش و پس از اسلام ساخته شده‌اند، ضروری است؛ همچنان که روش‌های ساخت اشیای چوبی در ایران بسیار متنوع هستند و کودکان باید در زمینه‌ی منبت‌کاری،



معـــرق‌کاری و خاتـم‌کاری اطلاعاتـی کسـب کننـد. بازدیـد از آثـار موزه‌هـا یـا کارگاه سـاخت آثـار هنری در هر منطقه، تأثیرگذاری این آمـــوزش‌ها را دو چنـدان می‌کند. معلـم متناسـب بـا گـروه سـنی کـودکان، آثـار مناسـب را انتخـاب و معرفـی و توجـه کـودکان را بـه انواع هنرهـای ایرانـی جلـب می‌کنـد. کودکان سـه پایـه‌ی اول ابتدایی به حیوانـات علاقـه‌ی زیـادی دارند و معلـم می‌توانـد از این راه بسـیاری از آثـار هنـری را بـه آن‌هـا معرفی کنـد و از ایشـان بخواهـد در آثـار هنـری ایـران نمونه‌هـای مشـابه را جسـت‌وجو کننـد. زیرا تعـداد زیـادی از آثـار هنـری براسـاس طـرح حیوانـات تهیه شـــده‌اند؛ ماننـد وزنه‌هـای دوره‌ی ایـران باسـتان که به شـکل سرشـیر یا بدن اردک سـاخته شـده‌اند. در میان آثار هنـری ایران، اشـیای بسـیاری بـه شـکل حیوانـات دیده می‌شـوند؛ ماننـد ظـروف سـفالین شـمال کشـور کـه قدمـت زیـادی دارنـد یـا بعضی از قفل‌هـا و سـرمه‌دان‌های دوره‌ی اسـلامی که به شـکل شـیر یا پرنده سـاخته شده‌اند. طـرح حیوانـات روی بسـیاری از ظـروف نقاشـی رسـم شـده یا روی گلیم‌ها هم بافته شـده اسـت. معلم می‌تواند توجه کودکان را بـه انتخـاب موضوع برای تهیـه‌ی آثار هنری جلب و ذهن آن‌ها را به خلاقیت پیشـینیان مـا در طراحـی و سـاخت آثـار معطـوف کنـد. بـه این ترتیـب، کـودکان بـرای انجام فعالیت‌هـای هنـری، نه‌تنهـا از پدیده‌هـای طبیعـت، بلکـه از نمونه‌هـای متنـوع آثـار هنـری ایرانـی نیـز الهـام می‌گیرند.

یکی از روش‌های شناسـاندن آثـار هنری به کـودکان دوره‌ی ابتدایـی، جلـب توجه آن‌ها بـه ویژگی‌هایـی اسـت که برایشـان آشـناتر اسـت. برای کـودکان جالب توجه اسـت که بدانند سـاخت چرخ سـفالگری برای تهیه‌ی



ظروف سـفالی یا بافـت قالی، بـرای اولین‌بار در ایران انجام شـده اسـت. در سراسـر ایران، انـواع فرش‌هـای دسـت‌بافت از جملـه قالی، گلیـم، جاجیم و ورنی بافته می‌شـوند. معلم می‌توانـد توجـه کـودکان را به ایـن نمونه‌ها جلـب کنـد و از آن‌هـا بخواهـد بـه انـواع فرش‌هایـی کـه در محیـط زندگـی آن‌هـا تهیـه یا اسـتفاده می‌شـوند، دقـت کنند.

همچنیـن، در مـورد روش تهیـه‌ی مـواد مـورد نیـاز، روش بافـت، نقش‌هـا و رنگ‌هـا گنجـکاوی و نمونه‌هـای متنـوع را بـا هـم مقایسـه کننـد. لازم اسـت معلـم توجـه کـودکان را بـه ایـن مـورد جلـب کنـد کـه فـرش عـلاوه بـر کاربـردش، یک اثـر هنری اسـت و دیگـران ایـن هنـر را از ایرانیـان آموخته‌انـد. بـا توجـه بـه اینکـه در مناطـق گوناگـون ایـران هنرهـای دسـتی متنوعـی وجـود دارنـد، معلمـان هنـر می‌تواننـد در زمینـه‌ی آشـنایی کـودکان بـا ایـن هنرها و ایجـاد علاقه به یادگیـری آن‌ها تلاش کنند. از جملـه انـواع سـوزن‌دوزی و قـلاب‌دوزی سـنتی مناطـق را که امـروزه مهجور مانده‌انـد، می‌توان با ایجاد شـناخت و علاقـه احیـا و پـاس‌داری کـرد.

به‌طـور کلـی، یکـی از معضـلات حاضـر، رکـود یـا جمـود برخـی هنرهاسـت. ایجـاد علاقـه و انگیـزه در کـودکان برای احیـای چنیـن هنرهایـی، یکـی از مسـئولیت‌های معلمـان هنر اسـت.

در سـه پایه‌ی دوم دوره‌ی ابتدایی کـه دانش‌آمـوزان بـه انتخـاب رشـته‌ی تحصیلـی در دوره‌ی بعـدی نزدیک می‌شـوند، معلم می‌توانـد با معرفی این هـــنرها در این زمینـه گام مؤثری بردارد.

اهمیـت و ضرورت شـناخت هنر و آثـار هنری ایران بر کسـی پوشـیده نیسـت، ولی نکته‌ی مهـم ایجاد ارتباط میـان فرهنگ و آثار هنـری در کلاس‌های هنـر اسـت تـا کـودکان دریابند کـه هر یک از نمونه‌هـای کهـن یـا امـروزی از فرهنـگ ارزشـمندی برگرفتـه شـده‌اند کـه دیـد خاصی نسـبت بـه زندگـی را ارائـه می‌دهد. آثـار هنـر ایـران همـواره در جهـت اعتـلای انسـان سـاخته شـده و ارزش‌های انسـانی و دینـی را پاس داشـته‌اند.

در ایـن رویکـرد هنـری، تمامـی مظاهـر زندگـی بـا زیبایـی تمـام آراسـته می‌شـده و ظرافـت و زیبایـی را در جامعـه گسـترش مـی‌داده اسـت. از گنبـد فیـروزه‌ای کـه در پهنـه‌ی کویـر می‌درخشـد یـا ترازویـی که بـا آن اجنـاس را وزن می‌کرده‌انـد و در جعبه‌ای بسـیار زیبا قـرار می‌دادند گرفته تا قالـی و سـجاده‌ای کـه بـا طرحـی از زیبایی بهشـت یافتـه شـده یـا قلمـدان زیرلاکـی یـک خوش‌نویـس و ظروفـی کـه به‌صـورت روزمـره از آن‌هـا اسـتفاده می‌شـده، همـه در نهایـت زیبایـی و ظرافت طراحـی و اجرا شـده‌اند.

بنابرایـن، معلـم هنـر بـا تأکید بر شـناخت آثـار هنـری زمینه‌ی تـداوم فرهنـگ غنی و اصیـل ایرانـی را فراهـم می‌کنـد.

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

سلام بر تربیت هنری کودکان



برنامه‌ی درسی هنر دوره‌ی ابتدایی ایران از دهه‌ی هشتاد با رویکرد تربیت هنری ارائه شد. در این رویکرد، کودکان به انجام فعالیت‌های هنری در فضایی آزاد ترغیب و تشویق می‌شوند. آن‌ها می‌توانند آزادانه تخیل کنند و ایده‌های خود را ارائه دهند تا ظرفیت‌های هوش و تفکرشان پرورش یابد. علاوه بر این، انجام فعالیت‌های هنری در این رویکرد، به تقویت حواس، بروز استعدادها و شکوفایی خلاقیت و توسعه‌ی عواطف و احساسات کودکان کمک می‌کند. در صفحه‌ی ۶ کتاب *راهنمای درس هنر برای معلمان پایه‌های اول، دوم و سوم ابتدایی* آمده است: «ما برای پرورش ذوق و خلاقیت و ایجاد فرصت‌هایی برای بروز انگیزش سازندگی، بیان احساسات و خیال کودکانه، شناخت زیبایی‌ها و ارتباط با آثار هنری گذشته و حال، شیوه‌ای را در آموزش هنر انتخاب کرده‌ایم که با عنوان تربیت هنری معرفی می‌شود.»

در ادامه، دیدگاه **جروم هاپس من** در زمینه‌ی تربیت هنری ارائه شده است: «تربیت هنری بر حواس گوناگون، رشد تجربه‌های حسی و لمسی، حساسیت و برخورد عمیق با جلوه‌های بصری هنری و نقادی هنرمندانه ناظر است.»

بر این اساس، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند چگونه دقیق‌تر و عمیق‌تر ببینند، بشنوند، درک کنند، تفکر کنند و ایده‌هایشان را برای تولید اثر هنری به کار گیرند. کودکان می‌آموزند چگونه با پدیده‌های گوناگون و محیط اطراف ارتباط بهتری برقرار کنند و از آن‌ها تأثیر بگیرند. همچنین، تجربه می‌کنند چگونه به احساسات و ایده‌های خود جامه‌ی عمل بپوشانند و با فعالیتی منظم و هدفمند، توانایی‌های خود را برای بیان هنری ارتقا دهند. علاوه بر فعالیت‌های فردی، کودکان در انجام برخی از برنامه‌ها مشارکت و کارگروهی را تجربه می‌کنند و می‌آموزند چگونه به نظرات و ایده‌های یکدیگر احترام بگذارند. بنابراین، یاد می‌گیرند علاوه بر تصمیم‌گیری و شناخت مسئولیت‌ها، هریک مسئول انجام‌دادن به موقع مراحل کار یا اجرای برنامه هستند و بدون هم‌فکری و همکاری به نتیجه نخواهند رسید. آن‌ها در کلاس هنر احساس موفقیت، لذت از کار یا اجرا و رضایت از انجام آن را به‌صورت فردی و گروهی تجربه می‌کنند و به سازندگی ترغیب و از ویرانگری رویگردان می‌شوند.

در کتاب فوق، تربیت هنری به پنج موضوع کلی تفکیک شده است که عبارت‌اند از:

۱.زیباشناسی: در این رویکرد، مفهوم تربیت هنری که با هنر خلاق ارتباط دارد، به فرایند رشد تیزبینی سرعت می‌بخشد و حساسیت فرد را نسبت به زیبایی افزایش می‌دهد؛

۲.ارتباط با طبیعت: انسان با دقت در محیط پیرامون خود توانسته است به اختراعات علمی و ابداعات هنری دست بزند. بنابراین، ارتباط با طبیعت در این رویکرد بر یادگیری و تجربه‌های کودکان تأثیر بسیار مهمی دارد؛

۳.آشنایی با تاریخ هنر: کودکان باید از تاریخ، آثار هنری و آداب و رسوم و سنت‌های خود در قالب آشنایی با میراث فرهنگی و هنری ایران بهره بگیرند. **اتو کلاین برگ** معتقد است: «فرهنگ به معنای موفقیت هنری و فکری متعالی است. توسعه‌ی علم، هنر، ادبیات و فلسفه بیانگر نبوغ یک ملت است و شامل همه‌ی چیزهایی می‌شود که فرد به مثابه‌ی عضوی از جامعه از آن کسب می‌کند.»

٤.تولید محصول هنری: ایجاد فرصت بروز خلاقیت و آزادیِ یافتن راه مناسب برای بیان هنری، حق همه‌ی کودکان است. در این مسیر باید از ارائه‌ی الگو، خط‌مشی و حرکت‌های از پیش تعیین‌شده به آن‌ها اجتناب کرد؛



۵.نقد هنری: هدف نهایی نقد، داوری کردن یا دادن معیارهایی برای داوری است. در این راستا، سنجش ارزش‌ها و نکته‌های نهفته و ناگفته‌ی اثر بیان می‌شود که در پرورش ذوق و سلیقه‌ی هنری کودکان مؤثر است. هر یک از این موارد در تربیت هنری کودکان و شکل‌گیری شخصیت سالم آن‌ها به نحوی خاص تأثیر دارد. ارتباط با طبیعت و پدیده‌های آن کودکان را از افسردگی و احساس تنهایی نجات می‌دهد. تنوع پدیده‌های طبیعی و جست‌وجو برای شناخت آن‌ها، کودکان را به مسیر خلاقیت و زندگی خلاقه هدایت می‌کند و بر غنای زندگی‌شان می‌افزاید.

براساس این مفروضات، کودکان با کسب تجربه‌های مناسب می‌توانند هنرمندانه زندگی کردن را بیاموزند. آن‌ها براساس تجربه‌های آزاد کلاس هنر می‌آموزند مشاهده کنند،کنجکاو باشند، بپرسند،کشف کنند، و مشکلات و راه‌حل آن‌ها را بیابند. حواس و احساسات خود را پرورش دهند، به تخیلات خود اهمیت دهند، به افکار و ایده‌های خود و دیگران اهمیت دهند، به خلق اثر بپردازند. در مورد آثار گوناگون با یکدیگر بحث و تبادل‌نظر کنند و توانایی‌های خود را در فعالیت‌های متنوع یادگیری شکوفا کنند.کسب مهارت در زمینه‌های متنوع هنری از گفتن شعر تا خواندن خلاق متن، از اجرای سرود و نمایش تا تقلید صدا و ایجاد اصوات دلپذیر، از ایجاد تصویر تا ساختن حجم‌های زیبا، از نوشتن داستان تا بیان تخیلات خلاقه، ایجاد و تقویت اعتمادبه‌نفس و شکل‌گیری شخصیت سالم را به دنبال دارد.

به این ترتیب، زمینه‌ی آشنایی با فرهنگ و هنر در شخصیت آن‌ها شکل می‌گیرد و این مقوله، بخشی از نیازهای فردی و اجتماعی آن‌ها محسوب می‌شود. بنابراین، براساس شناخت زیبایی، به زشتی‌ها و پوچی‌ها گرایش پیدا نخواهند کرد. در انتخاب‌ها برای خواندن متن، دیدن فیلم، انتخاب تصویر یا حجم، براساس شناخت اقدام می‌کنند. به میراث فرهنگی و هنری و شناخت آثار دوره‌های گوناگون اهمیت می‌دهند و به بحران هویت دچار نخواهند شد. همچنین، حفظ، احیا و توسعه‌ی ارزش‌های فرهنگی و هنری جزو دغدغه‌های زندگی‌شان خواهد شد.

علاوه بر این‌ها، تجربه‌های هنری و دریافت بازخوردهای آن، روحیه‌ی انتقادپذیری را در کودکان ایجاد می‌کند و به بالا رفتن سطح انعطاف‌پذیری آن‌ها کمک می‌کند. به این ترتیب، با نقاط قدرت و ضعف خود آشنا می‌شوند و دید واقع گرایانه‌تری نسبت به خود کسب می‌کنند.

اگرچه آنچه ذکر شد همه‌ی فایده‌های برنامه‌ی هنر با رویکرد تربیت هنری را بیان نمی‌کند، اما متقاعد کننده و کافی به‌نظر می‌رسد. بنابراین، می‌توان به زنگ هنر، معلم هنر، روش‌های صحیح آموزش هنر، فعالیت‌های متنوع هنری (که به پرورش حواس و توانایی‌های کودکان کمک می‌کنند) و آشنایی کودکان با ارزش‌های فرهنگی و هنری، یا به‌طور خلاصه به تربیت هنری، با صدای بلند سلام کرد.

منبع

۱. گروه مؤلفان (۱۳۹۶). *راهنمای درس هنر برای معلمان پایه‌های اول، دوم و سوم ابتدایی*. نشر افست. تهران.